

ارجوزه «ذخیره الایمان»
زین الدین علی بن محمد بن یونس
عاملی بیاضی (۷۹۱-۸۷۷ق)

به کوشش: حسین شهسواری

مقدمه

نام اثر

نام اثر از سوی مؤلف و سراینده آن "ذخیره الایمان" نهاده شده است، چنانچه در بیت ۵۶ به صراحت می گوید:

سمّيتها «ذخیره الایمان» هدیة منّی الی الإخوان

هم چنین شاعر در بیت ۵۹ نام «ارجوزه» را هم به جهت وزنش به آن گذاشته و چنین سروده است:

وهذه أرجوزة الضعیف علیّ اللاجی الی اللطیف

واژه «أرجوزه» به قصیده ای گفته می شود که از بحر رجز باشد و در عربی وزن آن شش بار مستفعلن، و در شعر فارسی هشت بار مستفعلن می باشد، این اصطلاح به معانی بیت کوتاه، شعر کوتاه آمده و به رجز خوانی در میدان جنگ نیز اطلاق می شود. علامه بیاضی هم چنین در مصراع دوم همان بیت به نام خود تصریح نموده که «علی» می باشد.

از این رو نام این قصیده که بر اساس بحر رجز است «أرجوزه ذخیره الایمان» می باشد.

موضوع قصیده

موضوع مورد بحث در این قصیده یکی از مباحث بسیار مهم و اساسی از مسائل علم کلام می باشد، موضوعی که به تعبیر شهرستانی مبدأ اختلافات و تنازعات پس از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بوده و در راه اثبات و نفی آن تلاشهای فراوانی صورت گرفته است. علی بن محمد بیاضی در این قصیده به دنبال اثبات خلافت بلافضل امیرالمؤمنین علی عَلِيٌّ می باشد، و در این راستا با روش پرسش و پاسخ و تحلیل و جستجو در معیارها و ملاک های ارائه شده از سوی رسول گرامی اسلام سرانجام به این نتیجه می رسد که براساس ملاک ها و میزانی که پیامبر الهی در طول زندگی پربارش ارائه نموده است فقط علی بن ابی طالب عَلِيٌّ صلاحیت منصب خلافت و امامت را داراست.

تاریخ سرایش این قصیده

به ظاهر در آرجوزه به زمان سروده شدن آن اشاره ای نشده، ولی در انتهای دو نسخه خطی موجود از این قصیده عدد «۸۳۴» مذکور است و تمام شرح حال نویسان بر این باورند که این عدد سال انشاد و سرودن این ابیات می باشد البته فقط عدد مذکور نیست بلکه پس از آخرین بیت (بیت شصتم) چنین آمده «تَمَّتْ بِحَمْدِ اللَّهِ وَعَوْنِهِ وَحَسَنِ تَوْفِيقِهِ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فِي ۸۳۴ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ...» بنابراین قصیده مورد بحث نخستین کارتالیفی علامه بیاضی به شمار می رود.

سراینده قصیده

علامه شیخ زین الدین ابو محمد علی بن محمد بن یونس عاملی نباطی بیاضی عنفجوری بقاعی مشهور به «بیاضی» و «صاحب الصراط المستقیم» یکی از اندیشمندان قرن نهم هجری قمری است که از خطه عالم خیز و پربرکت جبل عامل لبنان برخاسته و در دانش های متعدد اسلامی همچون کلام، تفسیر، منطق، حدیث، شعر و ادبیات آثار ارزشمندی از خود به جای گذاشته است.

بنا به نوشته آیت الله العظمی مرعشی نجفی رَحِمَهُ اللهُ وی در چهارم ماه رمضان المبارک سال ۷۹۱

هجری قمری مطابق با ۱۳۸۵ میلادی در روستای نبطیه از توابع جبل عامل لبنان در خانواده علم و فضیلت دیده به جهان گشود و پس از عمری تلاش و کوشش در ترویج و تبلیغ اسلام اصیل و تحکیم مبانی تشیع به سال ۸۷۷ هجری قمری مطابق با ۱۴۷۲ میلادی در سن ۸۶ سالگی دیده از جهان فرو بست و به دیار باقی شتافت،^۱ و پیکر مطهرش در نباطیه سفلی به خاک سپرده شد.

هم چنان که گفته شد در بیت ۵۶ مصراع دوم نام خود را که «علی» باشد آورده است، «و هذه أرجوزة الضعيف / علي الاجي إلى اللطيف» و تمام شرح حال نویسان برای زین الدین علی بن محمد بن یونس عاملی نباطی بیاضی ارجوزه ای با نام «ذخیره الایمان» ذکر کرده اند، و نیز از آنجایی که علامه بیاضی از طبع شعر برخوردار بوده چنانکه در اثر دیگرش کتاب گرانسنگ و مشهور «الصراط المستقیم» ابیات متعددی از سروده های خود را آورده، شکی باقی نمی گذارد که این قصیده متعلق به ایشان می باشد، علاوه بر این مفاد ارجوزه به صورت نثر با همان ادبیات در کتاب مذکور آورده شده است.

خاندان بیاضی از مشهورترین و اصیل ترین خاندان هایی هستند که در آن منطقه زیست کرده و جهان اسلام، عالمان و دانشمندان بنام فراوانی از ایشان به خود دیده است.

اساتید

مرحوم بیاضی ابتدا در زادگاهش به کسب علم پرداخت و سپس برای تکمیل تحصیلات خویش به مراکز علمی آن عصر مسافرت نمود و در محضر اندیشمندان به فراگیری دانش ایام گذراند. اگر چه شرح حال نویسان درباره اساتید او اطلاعاتی بدست ندهاند^۲ ولی خود وی در

۱. الاقاحی فی ترجمه البیاضی (مقدمه الصراط المستقیم)، ج ۱، ص ۵. لازم به ذکر است که مرحوم علامه شیخ آقابزرگ طهرانی در «طبقات اعلام الشیعه» تاریخ مذکور را ذکر کرده است ولی در مقدمه مفصل خود بر جلد دوم «الصراط المستقیم» در شرح حال علامه بیاضی تاریخ مذکور را نپذیرفته و با استناد به قرائن و شواهدی درباره سال تولدش اوائل قرن نهم هجری یعنی حدود سال ۸۰۵ هجری قمری را مطرح نموده است که با این بیان ایشان در سن ۷۲ سالگی چشم از جهان فرو بسته است.

۲. به گفته آقابزرگ طهرانی در مقدمه جلد ۲ الصراط المستقیم به علت ویرانی های رخ داده در جبل عامل بر اثر هجوم و حاکمیت دشمنان و نیز گسستن سنت ها و مکاتب آموزش در پی آن منابعی که به شرح حال عالمان این منطقه پرداخته اند، از دست رفته، از این رو اطلاعات چندانی از استادان وی در دست نیست.

اجازه‌ای که برای یکی از شاگردان خود نگاشته است نام دو نفر از استادان خود را ذکر کرده است. البته پدر و عموی وی که از عالمان آن سامان در آن روزگار بوده‌اند نیز جزء اساتید و تربیت‌کنندگان و آموزش‌دهندگان بوده‌اند که وی نزد ایشان به کسب علم و معرفت پرداخته است. از این رومی توان نام اساتید وی را به شرح زیر ذکر نمود:

۱. شیخ ابوجعفر محمد بن یونس عاملی بیاضی (پدر وی).
۲. علامه شیخ حسن بن یونس عاملی بیاضی (عموی وی).
۳. سید زین‌الدین علی بن دقاق حسینی مؤلف نزهة العشاق.
۴. شیخ جمال‌الدین احمد بن حسین بن مطهر.

شاگردان

هم‌چنین از شاگردان وی نیز اطلاعات مبسوطی در دست نیست ولی در کتب شرح حال نویسان به سه نفر اشاره کرده‌اند که عبارتند از:

۱. ناصر بن ابراهیم بویه‌یی که به سال ۸۵۳ وفات یافته است، دو سال قبل از تألیف کتاب «الصرط‌المستقیم» و یک سال پیش از وفات بویه‌یی از طرف علامه بیاضی به وی اجازه‌ی روایت و نقل کتاب‌های روایی و تألیفات و آثار خود و اساتید و عالمان پیش از خود را به او صادر کرد.

۲. شیخ تقی‌الدین ابراهیم بن علی بن محمد بن صالح کفعمی صاحب کتاب «مصباح» و «بلد‌الامین» که به سال ۹۰۵ وفات یافته است.

۳. شیخ شرف‌الدین بن جمال‌الدین بن شمس‌الدین بن سلیمان.

بیاضی از نگاه بزرگان اهل دانش

از آنجایی که وی در علوم مختلف عصر خود تبحر داشته و در دانش‌هایی چون کلام، منطق، تفسیر، ادبیات، شعر، لغت و غیره... از خود آثاری به یادگار گذاشته است از این رو مورد توجه عالمان قرار گرفته است. دانشمندان در آثار خویش درباره‌ی وی به اظهار نظر پرداخته و جایگاه علمی و مقام بلند وی را متذکر شده‌اند. بخشی از این اظهار نظرها را به اختصار نقل می‌کنیم.^۱

۱. شیخ تقی‌الدین ابراهیم کفعمی گوید:

۱. ر.ک ریاض العلماء، ج ۴، ص ۲۵۴، امل‌الامل، الکنی والالقباب، ج ۲، مقدمه الصراط‌المستقیم، ج ۲ و... .

الامام العلامة فريد الدهر ووحيد العصر مهبط انوار الجبروت فاتح اسرار الملكوت خلاصة الماء والطين جامع كمالات المتقدمين والمتأخرين بقية الحجج على العالمين الشيخ زين الملة والحق والدين على بن يونس لا اخلى الله الزمان من انوار شموسه و ايضاح براهينه ودروسه بمحمد وآله.

٢. شيخ حر عاملي:

كان عالما، فاضلا، محققا، مدققا، ثقة، متكلما، شاعرا، ادبيا، متبحرا...

٣. شيخ عباس قمي:

الشيخ الجليل الفاضل المحقق المتكلم، الثقة، الرضى...

٤. عمر رضا كحاله:

فقيه، محدث، مفسر، اديب، لغوي، شاعر، منطقي و...

٥. آغا بزگ طهراني:

من فقهاء جبل العامل في المئة التاسعة ومن افذاذ العلماء وجهابذة الكلام واساطين الشريعة وافاضل الرجال، ألف في الحكمة والكلام والتاريخ واللغة والعقائد والفقه والتفسير وغيرها كتباً دلت على خبرته وتبحره وعلو قدره ومكاتبه.

درباره وی می توان به كتب رجال و تراجم به ویژه «رياض العلماء»، «الذريعة»، «انوار

الساطعه»، «روضات الجنات»، «اعیان الشیعه» و... مراجعه نمود.

آثار و تألیفات

نظر به اینکه علامه بیاضی از متکلمان بنام عصر خود بوده است، بیشتر آثار وی در موضوع کلام و دفاع از حقانیت شیعه می باشد؛ اگر چه در علوم دیگر نیز از خود آثاری به جای گذاشته است و با توجه به حوادث روزگار بخشی از آثار او همانند آثار سایر علما از میان رفته است. ^۱ از این رو ابتدا آثار غیر کلامی وی را به طور اجمال و سپس آثار کلامی وی را معرفی می کنیم.

الف) آثار غیر کلامی

١. منحل الفلاح مختصر «مختلف الشیعه اثر علامه حلی».

٢. نجد الفلاح مختصر «صحاح اللغة اثر محمد بن اسماعیل جوهری».

١. رك مقدمة الصراط المستقيم، ج ١ و ج ٢.

۳. زبدة البیان وانسان الانسان فی تخلص مجمع البیان.

۴. اللمعة فی المنطق.

۵. المقام الأسنى فی تفسیر اسماء الحسنی.

۶. اجازة روایی به ناصر بن ابراهیم بویهی.

۷. مجموعه رسائل و فوائد متفرقه.

۸. خطبة مجنسه (کفعمی در مصباح ص ۷۴۴ در ۲۸ سطر آن را آورده است).

ب) آثار کلامی

۱. الصراط المستقیم فی مستحقّی التقدیم (مهم ترین و مفصل ترین اثر وی می باشد که در سه جلد چاپ شده است و شهرت بیاضی نیز به سبب تألیف همین اثر است، به جهت قوت علمی و قدرت بیان برخی آن را در مباحث امامت بهترین کتاب پس از «الشافی» اثر سید مرتضی علم الهدی میدانند بلکه می توان گفت این اثر را بر آن ترجیح داده اند).

۲. عصرة المنجود (در علم کلام است و بعد از صراط مستقیم به نگارش درآمده است، با توجه به مباحث مطرح شده در آن می توان آن را مکمل الصراط المستقیم دانست).

۳. ذخیره الایمان (ارجوزه ۶۰ بیتی در علم کلام است که به سال ۸۳۴ به نظم کشیده است).

۴. فاتح الكنوز المحروزة فی ضمن الارجوزه (شرح ذخیره الایمان می باشد).

۵. الرسالة الیونسیة فی شرح المقالة التکلیفیه (مقاله تکلیفیه اثر شهید اول می باشد که چاپ شده است).

۶. الکلمات النافعات فی تفسیر الباقیات الصالحات (الباقیات الصالحات نیز اثر شهید اول است این رساله نیز چاپ شده است).

۷. رسالة فی الامامة.

۸. رسالة الاکرام والانعام فی علم الکلام.

۹. کتاب منتخب بصائر الدرجات.

۱۰. الباب المفتوح الی ما قیل فی النفس والروح (علامه مجلسی در قسمت السماء والعالم «بحار الانوار» ج ۸۵، صص ۱۰۴-۹۱، آن را در ۱۵ صفحه آورده است) و اخیراً به صورت مستقل چاپ شده است.



۱۱. دیوان اشعار (بیشتر سروده‌های وی در مناقب و فضائل اهل بیت علیهم‌السلام و مرثی حضرت ائمه معصومین علیهم‌السلام می باشد).^۱

گزارشی از محتوای قصیده

هم چنان که گفته شد این قصیده شصت بیتی در موضوع امامت است و در آن ادله‌ای برای خلافت و جانشینی بلافصل امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام پس از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آورده است. در این شصت بیت مناظره‌ای میان دو طایفه از مسلمانان ترسیم کرده و در پی ملاک و معیار جانشینی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می باشد. و در این باره سوالی مطرح می کند که آن ملاک چیست؟ و بر اساس ملاک‌هایی که ارائه می دهد با تمسک به آیات الهی و روایات نبی مکرم اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم تنها شخصی که سزاوار چنین جایگاه و مقامی است وجود مبارک حضرت امام علی علیه‌السلام می باشد. و البته برخی از مطاعن دیگران را نیز متذکر می شود. تفصیل این مناظره و ادله هر يك از طرفین را می توان در کتاب با ارزش «الصرط المستقیم» ملاحظه نمود.

بعد از رحلت پیامبر رحمت صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم امت مسلمان به دو گروه و طایفه مهم و عمدۀ تقسیم شدند، يك طایفه معتقد است پیامبر جانشینی برای خود تعیین نکرد و مسئله جانشین خود را به مردم واگذار نمود، از این رو بعد از آن حضرت عده‌ای از مسلمانان جمع شدند و ابوبکر را به عنوان خلیفه انتخاب کردند. در مقابل گروه دیگر بر این باورند که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به دستور خداوند متعال علی علیه‌السلام را به عنوان جانشین خود و امام المسلمین نصب کرد و هر يك از دو طایفه بر باور و عقیده خود ادله‌ای اقامه کرده اند.

مؤلف خود را طالب حقیقت دانسته و از ملاک و ادله گزینش جانشین پیامبر سؤال کرده و پاسخ هر گروه را درخواست می کند. وی در راه به دست آوردن حقیقت پرسش مذکور را از صاحبان دو نظریه می پرسد. در ادامه گزارش سوال و جواب را می آوریم:

آیا خلافت در اسلام هست یا خیر؟ هر دو طایفه به این پرسش پاسخ مثبت داده و آن را جزء ضروریات دانسته اند.



۱. شرح حال مفصل و جامعی از این اندیشمند گرانمایه و آثار ارزشمند وی در کتاب مستقلی با عنوان «شرح حال و احوال و آثار علامه بیاضی» در موسسه کتابشناسی شیعه به چاپ خواهد رسید، و نیز مقاله ای در «گلشن ابران، ج ۹» با این عنوان چاپ شده است.

آیا خداوند متعال ملاکی برای آن دارد و آن را ارائه نموده است یا خیر؟ هر دو طایفه بر این باورند که خداوند برای خلافت ملاکی دارد و آن را در کتاب عزیزش با جمله ﴿إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقِيكُمْ﴾^۱ بیان کرده است.

سؤال بعدی این است که آیا از میان متقین برگزیده‌ای هست؟ هر دو می‌گویند: بله، به استناد آیه کریمه ﴿فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا﴾^۲ مجاهدان برگزیدگانند. وی ادامه می‌دهد آیا از میان مجاهدان برگزیده‌ای هست؟ پاسخ می‌دهند سابقین از میان مجاهدان برگزیده شده‌اند، زیرا خداوند متعال می‌فرماید: ﴿لَا يَسْتَوِي مَنْكُم مَّنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَقَاتِلًا﴾^۳.

آیا از سابقین گروه و طایفه برگزیده‌ای هست؟ هر دو پاسخ دادند آن که بیشتر در راه خداوند جهاد کرده. و از مسلمات تاریخ اسلامی است که علی عليه السلام شیر خدا و رسول خداست و بالاترین جهاد را او داراست.

با این توضیح دانسته می‌شود که علی عليه السلام افضل است و اولی و سزاوار به این مقام ولی با کمال تأسف مشاهده شد که هنگام برگزیدن فرد شایسته، مسلمانان کوتاهی کرده و خواسته‌های خود را بر شایسته‌سالاری و ملاک محوری ترجیح دادند لذا مفضل را بر فاضل و ناشایست را شایسته مقدم کردند.

برای بار دوم از دو گروه سؤال کردیم که متقی کیست و داراری چه صفتی؟ هر دو طایفه پاسخ دادند، فردی که خاشع باشد. پرسیده شد خاشع کیست؟ به استناد آیه شریفه ﴿أَنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ﴾^۴ خاشعان عالمان می‌باشند.

سؤال شد عالمان و اندیشمندان کیانند؟ پاسخ دادند: کسی که راهنمایی و هدایت به حق کند به دلیل آیه کریمه ﴿يُحْكَمُ بِهِ ذَوَا عَدْلٍ﴾^۵.

درباره کسی که حکم به عدل کند پرسیده شد، پاسخ دادند: کسی که راهنمایی و هدایت به حق کند به دلیل آیه ﴿أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ﴾^۶.

۱. حجرات (۴۹)، آیه ۱۳.

۲. نساء (۴)، آیه ۹۵.

۳. حدید (۵۷)، آیه ۱۰.

۴. فاطر ۳۵، آیه ۲۸.

۵. مائده (۵)، آیه ۹۵.

۶. یونس (۱۰)، آیه ۳۵.



در پاسخ ایشان گفتیم: با این ملاک نیز علی بن ابی طالب علیه السلام می‌گردد. چرا که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «أفضاکم علی»،^۱ و نیز فرموده‌اند: «علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار»^۲ علاوه بر این‌ها شبهه‌ای نیست علی علیه السلام از بیعت با ابوبکر امتناع کرد و آن‌ها را به رسمیت نشناخت.

طایفه‌ای در پاسخ ما گفت: بله! درست است که ابتدا بیعت نکرد ولی پس از مدتی از عمل و کار خود برگشت و بیعت نمود، و بالاخره اختلاف و نزاع را کنار گذاشت و با خلفا سازش کرد، از این رو با این کار از اشتباهی که کرده بود دست برداشت و به راه صواب بازگشت، و به تبع ایشان امت نیز از اشتباه و خطایی که گرفتار شده بودند برگشته و با بیعت در راه صواب قرار گرفتند. در مقام پاسخ ایشان برآمده و گفتیم: اولاً بیعت نکرد و ثانیاً دست برداشتن از مخالف و رها کردن خلافت به جهت مصلحت امت اسلامی بوده نه چیز دیگر، ثالثاً بر آن چه که گفتید و مدعی شدید شاهد تاریخی وجود ندارد که آن حضرت از روی اختیار و اراده رغبت با آنها کنار آمده و سازش نموده باشد.

مرحله سوم از سوال و جواب این می‌باشد که از این دو طایفه می‌پرسیم: در میان صحابه چه کسانی مرجع بودند و دیگران برای فراگیری معارف و ابواب شریعت به ایشان مراجعه می‌کردند؟ پاسخ می‌دهند: در میان صحابه پنج نفر بودند که همه از آن پنج شخصیت دستورات دین را می‌آموختند. و ایشان عبارت بودند از: امام علی بن ابی طالب علیه السلام، عبدالله بن عباس، عبدالله بن مسعود، زید بن ثابت و عمر بن خطاب.

پرسیده شد از میان ایشان چه کسی سزاوار بود که مردم از او پیروی کنند؟ در پاسخ گفتند: بنا به حدیث نبوی که فرموده‌اند: «یومکم أقرأکم» آن فرد باید از ویژگی قاری‌ترین و أقرأ برخوردار باشد. به ایشان گفتیم: با این ملاک که گفتید، عمر بن خطاب خارج می‌شود چرا که بنا به مصادر تاریخی و حدیثی وی تسلط کافی بر این امر و نیز اطلاع کافی از کتاب الهی نداشته است.

در این راستا به مطالب زیر توجه شود: حمیدی در *الجمع بین الصحیحین* آورده: عمر بن خطاب دستور داد هر کسی که مهریه دخترش را بیش از مهریه فاطمه زهرا علیها السلام (پانصد درهم) قرار دهد مازاد را برای بیت المال صادره خواهم کرد و از او خواهم گرفت. از آن میان زنی

۱. صحیح بخاری، تفسیر بقره، آیه ۷؛ ابن ماجه در مقدمه سنن؛ احمد بن حنبل در مسند، ج ۵، ص ۱۱۲؛ تفتازانی در شرح مقاصد، ج ۵، ص ۲۹۶؛ و کتابهای دیگر.

۲. مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۶۰-۶۲.

برخواست و خطاب به عمر گفت: آیا حقی را که خداوند برای ما قرار داده تو منع می کنی؟ خداوند متعال در آیه بیست سوره نساء فرموده: ﴿إِنْ أُرِدْتُمْ اسْتِبْدَالَ زَوْجٍ مَكَانَ زَوْجٍ وَأَنْتُمْ إِحْدَاهُنَّ قَنْطَارًا فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا...﴾^۱ عمر گفت: همه مردم از من به قرآن داناترند حتی پیرزنان پرده نشین (مخدرات و زنان).^۲

مورد بعدی اینکه ایشان وقتی مشاهده کرد پیامبر اکرم ﷺ از دنیا رحلت کردند، این واقعه را انکار کرده و گفت: کسی حق ندارد بگوید پیامبر از دنیا رفته است. وقتی ابوبکر آمد و آیه شریفه ﴿إِنَّكَ مَيِّتٌ وَإِنَّهُمْ مَيِّتُونَ﴾^۳ و ﴿أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ﴾^۴ را خواند عمر گفت: حالا یقین پیدا کردم که پیامبر از دنیا رفته است، مثل اینکه تا بحال این آیات را نشنیده بودم.^۵

از میان این چهار نفر باقی مانده کدام یک شایستگی پیروی دارند؟ در پاسخ می گویند: رسول خدا فرمود: «الْأُمَّةُ مِنْ قَرِيْشٍ»^۶ ائمه باید از قریش باشد. به ایشان گفته می شود: با این ملاک زید بن ثابت و عبدالله بن مسعود خارج می شوند چرا که ایشان قریشی نیستند، و فقط دو نفر باقی می مانند، علی بن ابی طالب عليه السلام و عبدالله بن عباس، از میان این دو کدام سزاوار رهبری است؟ پاسخ می گویند: در حدیث وارد شده «أَكْبَرُ سَنًا»^۷ و «أَقْدَمُ هِجْرَةً»^۸ سزاوار رهبری است. با این ملاک فرد متعین فقط علی بن ابی طالب عليه السلام می باشد که دارای اوصاف و ویژگی های منحصر به فردی است.

۱. نساء (۴)، آیه ۲۰.
۲. رجوع کنید ذیل آیه شریفه به تفاسیر: کشاف زحشری، مفاتیح الغیب فخر رازی، الدر المنثور سیوطی، ابن کثیر، نسفی و... .
۳. زمر (۳۹)، آیه ۳۰.
۴. آل عمران (۳)، آیه ۱۴۴.
۵. رجوع کنید: تاریخ طبری، ج ۳، ص ۲۰۰ (طبع دار المعارف)؛ الکامل، ابن اثیر، ج ۲، ص ۲۱۹؛ مسند ابن ماجه، حدیث ۱۶۲۷؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۲، ص ۴۰ (طبع دار المعارف، مصر).
۶. صحیح مسلم ج ۶ ص ۳، ح ۴۵۹۸، کتاب الإمارة، باب الناس تبع لقریش؛ کفایة الأثر؛ مقتضب الأثر؛ کتاب سلیم بن قیس الهلالی / ج ۲ / ۵۷۷ / الحدیث الرابع؛ الهدایة الكبرى / ۱۳۸ / الباب الثانی باب امیر المؤمنین عليه السلام؛ کمال الدین و تمام النعمة / ج ۱ / ۲۷۴ / ۲۴ باب ما روی عن النبی ص فی النص علی القائم عليه السلام، وأنه الثانی عشر من الأئمة عليهم السلام ... ص: ۲۵۶.
۷. الصراط المستقیم، ج ۱، ص ۸۲؛ هدایة الأمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام، ج ۳، ص: ۳۸۱.
۸. هدایة الأمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام، ج ۳، ص: ۳۸۱.

ایشان در پایان ایات آرزوی شمول شفاعت پیامبر و ائمه علیهم السلام را نسبت به خود و دیگران را می نماید.

تذکر

لازم به یاد آوری است که شاعر مضمون ایات این قصیده را با اندکی تغییر در برخی عبارات در کتاب گرانسنگ "الصرط المستقیم" خود با همان شیوه گفتگو و مناظره آورده است.^۱

مصادر و منابع قصیده

هم چنان که گفته شد موضوع قصیده برخی از ادله تقدّم علی بن ابی طالب عَلَيْهِ السَّلَام بر دیگران در رابطه با جانشینی راستین و بلا فصل پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می باشد، از این رو منابع این قصیده پس از قرآن کریم، کتب حدیث و سیره و تاریخ می باشد، سراینده در «الصرط المستقیم» سیصد منبع که به بخشی از آن ها در پاورقی گزارشی از قصیده اشاره گردید آورده است.

توضیح پیرامون نسخه

از این اثر دو نسخه خطی بر جای مانده که در دو کتابخانه ارزشمند جهان تشیع نگهداری می شود (البته بنا به تفحصی که در فهرست نسخه های خطی انجام شده است)، ولی با کمال تأسف به تفصیل معرفی نشده است، شاید به این جهت باشد که اثر مذکور در دو نسخه یاد شده پس از اثر گرانسنگ دیگر علامه بیاضی با عنوان «عصره المنجود» قرار دارد و فهرست نگاران دو کتابخانه به آن توجه مستقل نکرده اند (البته در یکی از سه فهرست کتابخانه آیت الله حکیم چنانچه اشاره خواهد شد، آمده است)، که جا دارد در استدراک فهرست ها آورده شود.

۱. نسخه کتابخانه بزرگ آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته الله: شماره ۶۵۹۱، فهرست ج ۱۷، ص ۱۶۵-۱۶۷، توضیحی که از سوی فهرست نگار محترم در باره این نسخه ارائه شده است به شرح زیر می باشد، هم چنان که ملاحظه خواهید فرمود ایشان در توضیح نسخه شناسی به ارجوزه «ذخیره» به صورت ضمنی اشاره کرده است.

۱. الصراط المستقیم، ج ۱، صص ۸۰-۸۲.

نسخ، محمد بن محمد، جمعه اواسط جمادی الاخر ۹۵۷ از روی نسخه اصل، عناوین شنگرف، در حاشیه تصحیح شده، و نشانی بلاغ دارد، روی برگ اول تملک عبد الصمد بن سلیمان حسینی عروسی با مهر مربع وی دیده می شود، پس از کتاب، ارجوزه «ذخیره» مؤلف در سه صفحه نیز نوشته شده است، پشت برگ آخر تملکی بدون نام به تاریخ رجب ۱۳۱۷ با مهر بیضوی «الراجی محمد الحسینی» دیده می شود، جلد تیماج مشکی عطف و حواشی تیماج قرمز. ۱۳۳ گ، ۱۵ س، ۱۷ + ۱۳ سم.

۲. نسخه کتابخانه آیت الله العظمی سید محسن حکیم رحمته الله واقع در نجف اشرف، با شماره ۴۱۸ به خط مؤلف. این قصیده در ادامه کتاب «عصره المنجود» آمده و فهرست نگاران به معرفی «عصره المنجود» پرداخته اند، و از معرفی مستقل و تفصیلی قصیده مذکور غافل گردیده اند.

لازم به توضیح است که برای کتابخانه مذکور سه فهرست نگاشته شده است:

الف) یکی از آن ها با نام «من نوادر مخطوطات مكتبة آیت الله الحكيم العامه» چاپ اول در سال ۱۳۸۲ ق- ۱۹۶۲ م به طبع رسیده است، به ظاهر این فهرست قدیمی ترمی باشد و در آن اشاره ای به این اثر نشده است، جهت اشاره نگردیدنش هم می تواند همان مطلبی باشد که در نسخه مرعشی گذشت. در این فهرست کتاب «عصره المنجود» چنین معرفی شده است:

يقع الكتاب والقصيدة في ۲۸ صحيفة بقطع الثمن الكف، ۲۹×۱۲/۵، کاغذ اسمر، کتابة قديمة واضحة، في كل صفحة ۱۹ سطرا، طوله ۷ سنتيم وهو برقم ۴۱۸ وحيث ان الكتابين متفقا في الخط فذلك مما يرجع ان يكون تاريخ كتابتهما واحدا وجاء في آخر الذخيرة التاريخ كمايلي: تمت بحمد الله و حسن توفيقه صلى الله عليه و آله في ۸۳۴ و الحمد لله رب العالمين حمدا كثيرا كثيرا عملاً الارضين و السموات.

نکته بااهمیتی که در این فهرست به آن اشاره شده است، این که نسخه مذکور به خط مؤلف می باشد. بنابراین اگر این نکته صحیح باشد، این نسخه، نسخه ای گرانبها و عتیق خواهد بود.^۱

ب) فهرست دیگری که متأخر از آن می باشد با عنوان «فهرست مخطوطات مكتبة امام الحكيم العامة في نجف الاشرف» تالیف محمد مهدی نجف می باشد که در دو جلد سامان یافته است، در جلد دوم به معرفی این اثر چنین پرداخته است:

۱. در کتابخانه مذکور نمونه خط مؤلف موجود می باشد که با مقابله و تأمل تا حدی می توان صحت این انتساب را تأیید کرد. بیاضی کتاب «منتهی السؤل فی شرح الفصول» اثر جناب عبد الجلیل نیلی را استنساخ نموده است.

ذخيرة الايمان، نظم: زين الدين ابى محمد على بن محمد بن على بن محمد بن
يونس نباطى عاملى (متوفى ٨٧٧ هـ ق)، مجهولة النسخ والتاريخ، فى ٣ اوراق
١٨ × ١١/٨ سم، نظمها سنة ٨٣٤ هـ ق. [فهرست مخطوطات مكتبة امام الحكيم العامة
فى نجف الاشرف، ج ٢، ص ١٠٦].

ج) فهرست سومى كه از اين كتابخانه منتشر شده است با عنوان «فهرست نسخه هاى
كتابخانه امام حكيم» تأليف سيد على موجانى - عاطفه زندى، سيد حيدر ربيعى، جلد اول، در
سال ١٣٩١ هـ ش در تهران به چاپ رسیده است، در اين اثر كه به ترتيب الفبايى مى باشد در
٣١١ صفحه با معرفى ١٢١٦ نسخه از «آداب البحث و المناظره» آغاز و به «جواهر الكلام فى
شرح شرايع الاسلام» پايان بخشیده اند.

بسم

منابع

- بخشی از منابعی که در تنظیم این مقاله مورد استفاده قرار گرفته است عبارتند از:
۱. اعیان الشیعه
 ۲. ریحانة الادب
 ۳. امل الآمل، وتكملة امل الآمل
 ۴. الذریعه
 ۵. ریاض العلماء و حیاض الفضلاء
 ۶. مقدمه الصراط المستقیم به قلم علامه آغا بزرگ طهرانی ج ۲، و آیت الله مرعشی ح ۱،
 ۷. بحار الانوار ج ۱۰ و ۵۸ و ۱۰۴،
 ۸. دائرة المعارف بزرگ اسلامی ج ۱۳، ص ۲۴۳،
 ۹. دانشنامه جهان الاسلام ج ۵، ص ۵۴۵،
 ۱۰. فهرست کتاب های خطی کتابخانه آیت الله مرعشی، به ویژه ج ۱۷، ص ۱۶۵-۱۶۶،
 ۱۱. فهرست های کتاب های خطی کتابخانه آیت الله حکیم، نجف اشرف.
 ۱۲. الصراط المستقیم الی مستحقی التقدیم، علی بن محمد بیاضی.
 ۱۳. عصرة المنجود، علی بن محمد بیاضی.



فتعالت اليهم من من هاجر قدماً للنبى المومنين
 فلنا فقا خصص بالوصفين على العاى بغير ميد
 فذل قول ادم والكول ولا نفاق من ذى العقول
 ان علياً ما الرباية والمنصب الوفيق والنفا
 لى هذه ارجوزة الضعيف على اللابى الى اللطيف
 والوسل والايمة الانجاء ليشتغوا فى موضع اللب
 ويبرقوا فى فم الاصراف وينقروا فى
 عذاب الوانف
 سميتها ذخيرة الايمان هدية منى الى
 الاخوان
 والحمد لله العلى الكافى على الذى اولى وسم
 الكافى
 تحت عهده وحسن توفيقه ومجاهده على
 محمد وآله
 ٨٣٤٣
 والحمد لله رب العالمين محمد ابي بكر
 يملك الارضين والسموات
 الحمد لله على الصلوة على محمد وآله
 مستقيمة والصلوة على

ارجوزة ذخيرة الايمان

تصوير انجم نسخة شماره ٤١٨ كتابخانه آيت الله العظمى حكييم رحمه الله نجف اشرف

أرجوزة ذخيرة الإيمان

الحمد لله على تمامه والشكر لله على إنعامه
 وصلواته على الدوام وعلى النبي المصطفى التهامي
 وآله أئمة الإسلام وصحبه الأماجد الكرام
 وبعد فاعلم راشداً ما قلت معولاً على الذي نظمت
 لما قضى النبي قالت طائفة نصب علياً علماً، وطائفة
 لم تر هذا بل الى الرعية نصب الذي ترى من البرية
 فسأل الأتباع والسوابج كل فريق ما به يدافع
 من شاهدي عدل على دعواه من غيره لتلغ ما سواه
 فقالتا: لا شاهد لدينا بما ادعينا ولا علينا
 قلنا: فهل يجوز أن تولوا غير الذي تمّ لديه الفضل
 قالوا جميعاً: إن هذا باطل بل الأحقّ ليس إلا الكامل
 قلنا: فهاتوا من كتاب الله من جمع الفضل على التناهي
 أليس فينا للإله خيرة؟ فقالتا: بلى! بغير خيرة
 قد نطق الذكر على الوفاء بما ذكرتم بلا خفاء
 قلنا: فمن خيرته؟ فقالتا: المتقون فيهم النور أتى
 قلنا: فهل في المتقين خيرة فقالتا: المجاهدون الخيرة
 إذ فضّل الله المجاهدين حيث يفعلهم أقاموا الدين
 قلنا: فمن أكثرهم جهاداً وهجر الوساد والأولادا
 قالوا: عليّ فارس الإسلام لا نمتري به ولا نحامي
 قلنا: فقد دلّ الكتاب الهادي أنّ عليّاً خيرة العباد
 فيستحقّ الحكم لا محالة إلا إذا أغلبت الضلالة
 فمن يفضّل بعد ذلك ما سواه فقد قضى بما قضى هواه
 وتبع التعصّب في عدوله إذ أهبط المفضول عن مفضوله
 ثمّ سألنا: من يكون المتقي؟ فقالتا: الخاشع عن تحقّق
 ثمّ سألناهم عن الخاشع من؟ فقالتا: العالم فينا فأعلمن



قلنا: من العالم فينا؟ فقالتنا: العادل الحاكم فيما ثبتنا
 قلنا: من الحاكم بالعدل إذا عراكم الاشكال إذ علم الإذا
 قالنا: هو الأهدى إلى الحق كما جاء به أي الكتاب المحكما
 قلنا: عليّ قال فيه المصطفى قولاً مينا لا يرى فيه خفا
 عليّ مع الحق كذا الحق معه ملازم لأمره متبعه
 قد صحّ هذا في الحديث المسند لا يتري فيه سوى المفند
 وقد أبى البيعة بالإجماع وليس في ذلك من نزاع
 قالوا: فقد عاد إلى المبايعة وترك الخلاف والممانعة
 فانتقلت إلى الصواب إذ خطأ وانصرفت بفعله عن الخطأ
 قلنا: فنحن نمنع المبايعة بل كّف عن ذلك للمسانعة
 وليس للدعوى بها شهود من غيركم ليثبت المقصود
 تمّ رأينا علما القرابة وفضلاء ساير الصحابة
 عليهم ثمّ الفتى العباس وزيدهم وعمراً في الناس
 ثمّ الفتى المسعود عبد الله أعني ابن مسعود بهم بياهي
 قلنا: فن يؤمّمهم؟ فقالا: أنشأ الرسول فيهم المقالا
 "يؤمّمكم أقرؤكم" فقلنا: فليخرج عمر بما أجمعنا
 من أنّهم أقرؤ للقرآن منه على ما جاء في البيان
 حيث منع زيادة المهور كما أتى في الخبر المشهور
 فعارض النسوة بالقرآن قال بلا ريب ولا كتمان
 كلّ الذي جاءهم الآيات يفوقني حتى المخدرات
 ولم ير الحتم الموت على نبيّه محمّد حتّى تلا
 عتيقه "إتّك ميت" فلا تمار فيه بعد هذا رجلا
 قلنا: إذن فهؤلاء الأربعة من الذي يؤمّمهم إن جمعا
 فقالتنا: قال نبيّ الأئمة: "القرشيون هم الأئمة"
 فسقط الزيد و عبد الله أعني ابن مسعود بلا اشتباه

قلنا: فن يؤمّم من وصفا وخصّصا بالفضل عمّن سلفا
فقالنا: أكبرهم سنّاً ومن هاجر قدماً للنبيّ المؤتمن
قلنا: فقد خصّص بالوصفين عليّ العالی بغیر مین
فدلّ قول الله والرسول والاتفاق من ذوی العقول
أنّ علیاً صاحب الرئاسة والمنصب الرفیع والنفاسة
وهذه "أرجوزة" الضعیف عليّ اللاجي إلى اللطیف
والرسل والأئمّة الأنجباب ليشفعوا في موقف الحساب
ويعرفوا سیمای فی الاعراف وينقذوني من عذاب الوافي^١
سمّيتها "ذخيرة الإيمان" هدية منّي إلى الإخوان
والحمد لله العلیّ الكافی علی الذی أولى ونعم الكافی

تمت بحمد الله وعونه وحسن توفيقه؛ وصلّ الله على محمد وآله، في ١٣٤ هـ. ق وسلم
تسليماً كثيراً.^٢

بسم



١. ويعرفوا سیمای فی الاعراف *** وينقذوني من عذاب وافي (مرعشى).
٢. تمت بحمد الله وعونه وحسن توفيقه وصلّ الله على محمد وآله وسلم تسليماً كثيراً والحمد لله رب العالمين حمداً
كثيراً كثيراً يملا الارضين والسموات الحمد لله على انعامه والصلوة على محمد وآله (حكيم).

الفصيلة المعروف بالذخيرة نظم الشيخ علي بن محمد

المحمدية علي قامة ، والشكرية علي نعمه ، وصلواته علي الدوام
علي النبي المصطفى ، والده ائمة الاسلام ، وصحبه الاما حيد الكرام
وبعد فاعلم راشداً ما معولاً علي الذي نمت ، لما تقوى النبي قال طاب
نصيبه ليا علمه وقائه ، لم نر هذا بل اي ارضيه ، نصب الذي يري من ابيه
فساد لا تباع الواسع ، كل فريق ما به يدافع ، من شاهدي علي علي يعبه
من غيره لعله ماسو ، فقالنا لاشاهد لدينا ، بما اذ عيناه ولا علسنا
قلنا لم يحول في نوكه ، غير الذي لم لديه كغفران ، قالوا اجبت هذا باطل
بل لا احب اليك الكمال ، قلنا فما توامر كتاب الله ، من جمع الفضل علي الشاه
السر فينا للاضواء ، فقالنا بل يعرضه ، فنطق الذكر علي الوفاء
تأذركم بلا ضياء ، قلنا فن خيرت قلنا ، المسجون فيهم التوراة
قلنا هل في المصطفى ، قلنا لانا الجاهد والجاهد ، اذ فضل الله الجاهدين
حيثما جعلهم قائلوا ، قلنا فن اكثرهم جزاء ، وهم الموساد والاولاد
قالوا هل في فارس الكرام ، لا نتمري به ولا نحامي ، قلنا فقد دلا لك باطهادي
ان علي خيرة العباد ، فيستحق الكمال حاله ، الا اذا غلب الضلاله

شاهدين عليهم يوم حشر وانتهاد ، في حج الله من حشره وفي عدد قد في
عشرهم خلف الهادي ، بالذخيرة لانها جات سريرة ، فاعظم يولد واعظم ميلاد
وهذا العرفا اردنا ايراده ، ومنه وما قصدنا ارتبانه ، حامدين على افصانه
ومصلين على ركوبه ، واكرم الله منوهين وحجابته المقدسة ، في قول المتكلمين ، باضالته
ديخرا تبا عنهم ، بالحقين لا تبا عنهم ، بمراسدنا ، وهم السلوك في مناخهم ، والروح
ايضا نعلم ان الكرم الوهاب ، العليم الثواب ، رب احسن خبير ، يا كرم يا اكرم
يا اكرم ، وكان الرزاق في نسخ هذا الكتاب المبارك ، في نسخ لاله
بنا داجيم العظم فقري ، واظهره من حادي
الفرقة من نور سبوح
وسما جود
عازبا
السلام
على يد العبد الفقير الخبير الزارع منور به العبد الوان بالهدى المعير من نور محمد
محمد بن محمد لم وهدي واليه الي الحق البير ، وكجيب المور والمومات ، والسلب
والسلطات ارضا منهم ، ولا تفرق
الكرن مولد سميع ورسول
والله اعلم بالصواب
الذخيرة في شرحها
الذخيرة في شرحها

ارجوزة ذخيرة الايمان

تصوير آغا ز نسخه شماره ٦٥٩١ كتابخانه آيت الله العظمى مرعشى نجفى

